

گزارش تاریخی

غارت اموال قبله عالم مر حوم شده!



نگارهای از تشییع جنازه ناصرالدین شاه

ناصرالدین شاه، کمتر از ۵۰ سال بر ایران حکومت کرد. دوران او را باید دوران تحولات مثبت و منفی گسترده بدانیم. او آخرین شاه مقتدر دوران استبداد محسوب می شود که مردم باید حرفش را قانون می دانستند. با این حال، سال های پایانی سلطنت ناصرالدین شاه مشحون از حوادث پر شماری بود که خبر از بیداری مردم و تردید جدی آن ها در نحوه حکومت سلاطین قاجار بر ایران می داد. ترور ناصرالدین شاه در واقع نمایی از اعتراض به استبدادگری او بود. هر چند این ترور، برای قاجارها مصیبتی به شمای آمدو در واقع نفّس آن ها را به شماره انداخت، اما برای تعدادی از اطرافیان چاپلوس قبله عالم، سفره بزرگ غارتگری پهن کرد. این غارتگری، البته از درون دربار آغاز شد! گزارشی که تاج السلطنه، دختر ناصرالدین شاه، از حوادث چندروز بعد از ترور پدرش ارائه کرده است، وخامت اوضاع دربار را نشان می دهد. تاج السلطنه می نویسد: «روزها و شب ها به سرعت می گذشت. این سرای با عظمت و شکوه که در تمام ساعات شبانه روز غرق در مسرت و شادمانی بود، در یک سکوت وحشتناک در د انگیزی محصور شده! جز صدای گریه و ناله، صدای دیگری نبود... پس از چندروز دیگر، امین الملک، برادر صدر اعظم که در آن وقت خزانه دار بود، با صدر اعظم اندرون آمده، به خزانه رفتند. مقدار گزافی، بلکه هر چه پول در خزانه بود، تمام به پنهان این که مظفرالدین شاه مقروض است و باید به تیریز پول بفرستیم، خارج کرده. هیجده روز تمام، روزی سی چهل نفر سرایدار از صبح تا شام کیسه های پول را برده، تحویل خزانه بیرون می کردند و خزانه بیرون هم تمام فشنگ شده، نقل و تحویل به خانه امین الملک شده. مقداری در همان جامانده، باقی به اندرون صدر اعظم تحویل می شد.»

ظاهر این غارت گسترده اموال ناصرالدین شاه، تا ورود مظفرالدین شاه به پایتخت و بلکه تا چند ماه پس از استقرار وی بر حکومت، ادامه داشته است.

## سیدضیا؛ مشاور املاک صهیونیست ها در فلسطین!

**عامل سیاسی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ وز مینه ساز قدرت گرفتن رضاخان، چگونه سر از سرزمین های اشغالی در آور د؟**

رفت و با عنوان نماینده مطبوعات ایران، در مراسم تاج گذاری جرج پنجم شرکت کرد. این حضور، پیوندی استوار میان سیدضیا و انگلیسی ها به وجود آورد.

### ■ حکایت سیدضیا و کیف انگلیسی

او در سال ۱۲۹۲ ه.ش به ایران بازگشت و این بار، با هزینه مستقیم سفارت انگلیس، روزنامه «رعد» را تأسیس کرد. این دوران، همزمان با انعقاد قرارداد ۱۹۱۵ میان روسیه تزاری و انگلیس بود؛ قراردادی در تکمیل قرارداد استعماری ۱۹۰۷ که عملاً به اشغال ایران توسط این دو کشور، رسمیت می داد. اما سیدضیا در روزنامه خود به این اشغالگری ها مهر تأیید می زد و حتی تأسیس «پلیس جنوب» توسط انگلیسی ها را ستود. او در سال ۱۹۱۹ و در پی ارائه قرارداد مستعمره شدن ایران توسط وثوق الدوله به مجلس، این قرارداد سراسر استعماری را برگی زرین در تاریخ ایران خواند و به وثوق الدوله دستمیز داد گفت! همراهی با وثوق الدوله، اعتماد بیشتر انگلیسی ها را در پی داشت. این اقدامات، نفرت عمومی به سیدضیا را برانگیخت و باعث بیزاری مردم از او شد. علی دشتی که خود از حامیان جدی سیاست انگلیس و وابسته به سفارت این کشور در تهران بود، بعدها در روزنامه اش «شفق سرخ»، درباره روزنامه «رعد» نوشت: «روزنامه رعد در ولایات نه تنها مورد توجه افکار عمومی نبود، بلکه مردم آن را عبوس و نفرت آمیز تلقی می کردند.»

### ■ کمیته آهن و دولت مستأجل

سیدضیا،الدین طباطبایی یزدی با چنین سوابقی، از سوی انگلیسی ها، برای هدایت بخش سیاسی کودتای سوم اسفند در نظر گرفته شد. او را به ریاست کمیته ای موسوم به «کمیته آهن» منصوب کردند؛ جایی که به تعبیر یحیی دولت آبادی، سرکرده فرقه ازلی در ایران، محلی بود برای اجرای سیاست های انگلیس در بخشی که باید به دست عوامل ایرانی اجرا می شد. سیدضیا پس از اجرای کودتا توسط نیروهای قزاق به فرماندهی رضاخان، فرمان نخست وزیری را از احمدشاه گرفت؛ اما دولتش مستأجل بود؛ چهار ماه بعد، تاریخ مصرف او تمام شد و انگلیسی ها ترجیح دادند قوام السلطنه را به جای او نخست وزیر کنند. سیدضیا با سکورت مأموران سفارت انگلیس از ایران خارج شد و با پولی که دریافت کرده بود، به اروپا رفت و مدتی در ژنوساکن شد. او در این مدت دایم از انگلیسی ها پول می خواست و مدعی بود که وضع مالی خوبی ندارد.

واعظان شهر آن دوران بود؛ تا آن جا که به دربار مظفرالدین شاه نیز راه یافت و مشهور است که نماز میت بر پیکر شاه بیمار قاجار را هم، او اقامه کرد. تولد در خانواده ای شناخته شده و البته مذهبی، آن هم در دوره قاجار، باعث شد که سیدضیا خیلی زود بتواند شانس خود را در دنیای سیاست بیازماید. او در همان زادگاهش، با کمک دایمی خود و در ۱۷ سالگی، دست به انتشار روزنامه زد و هنگامی که حال مشروطه زار شد و محمدعلی شاه مجلس را به توپ بست، به تهران گریخت و به ظاهر، گوشه عزلت گزید؛ اما در نهان به فعالیت های تروریستی و بمب گذاری رو آورد و مدتی را به سفارت اتریش پناهنده شد و در آن جا روزگار گذراند. سیدضیا بعد از فتح تهران، ردای مشروطه خواهی دوآتشه را بر تن کرد. او بر خلاف پدر و خاندان پدری اش که بیشتر حامی مشروطه مشروعه بودند، خود را متمایل به مشروطیت غربی نشان داد؛ اما بعدها ثابت کرد که این مسیر را برای سکه های طلایی برگزیده است که بی محابا و به پاس چرخاندن قلمش در این مسیر، به پایش می ریختند.

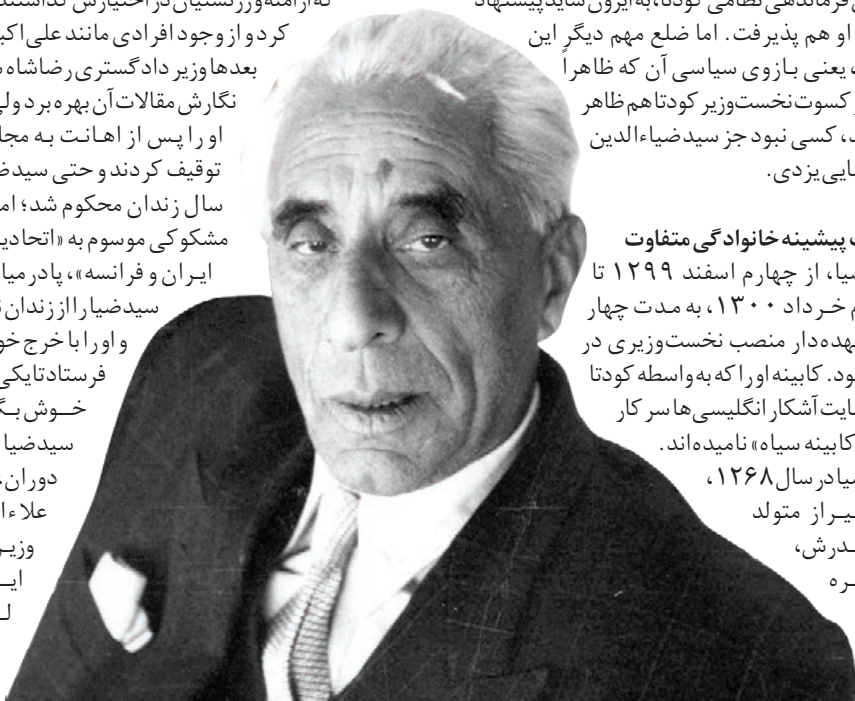
### ■ پرسه در اروپا با پول مشکوک!

سیدضیا، روزنامه «شرق» را پس از فتح تهران، با بودجه ای که ارامنه و زرتشتیان در اختیارش گذاشتند، تأسیس کرد و از وجود افرادی مانند علی اکبر داور که بعدها وزیر دادگستری رضاشاه شد، برای نگارش مقالات آن بهره برد ولی روزنامه او را پس از اهانت به مجلس دوم، توقیف کردند و حتی سیدضیا به پنج سال زندان محکوم شد؛ اما اتحادیه مشکوکی موسوم به «اتحادیه دوستی ایران و فرانسه»، پادرمیانی کرد و سیدضیا را از زندان نجات داد و او را با خرج خود به اروپا فرستاد تا یکی دوسالی خوش بگذراند. سیدضیا در همین دوران، با دعوت علاء السلطنه، وزیر مختار ایران در لندن، به انگلیس

**جواد نوائیان رودسری** – کودتای سوم اسفند سال ۱۲۹۹، یکی از وقایع مهم تاریخ معاصر ایران محسوب می شود؛ رویدادی که اولاً، روند سقوط قاجارها را تسریع و ثانیاً، زمینه را برای افزایش قدرت رضاخان میرپنج فراهم کرد. مجموعه اسناد و خاطرات دست اندرکاران این کودتا، تردیدی در نقش اساسی انگلیسی ها در طراحی و اجرای آن باقی نمی گذارد. دولتمردان انگلیس، به ویژه آن ها که در جریان قرارداد ۱۹۱۹ و تصویب نشدن آن، شکست سختی را متحمل شده بودند، دیگر نمی توانستند هزینه های ناشی از توقف و استعمارگری آشکار در ایران را تحمل کنند. تهدید کمونیست های شوروی هم، بسیار جدی تر از آن بود که نادیده گرفته شود؛ به ویژه آن که استیلای بریتانیا بر نفت جنوب ایران، ارزش این منطقه را برای انگلیس دوچندان کرده بود. انگلیسی ها می خواستند با اجرای کودتا، هم اداره دولت مرکزی را به دست آذنا خود بپارند و هم، به تدریج، حضور ظاهری خود را در ایران کاهش دهند. برای انجام این کودتا، آبرون ساید از مشاوره برخی انگلوفیل های داخلی مانند عین الملک هویدا و علی دشتی و تعدادی از مأموران خفیه انگلیس مانند اردشیر رپیورتر استفاده کرد؛ ظاهراً یکی از این افراد، رضاخان میرپنج را برای برعهده گرفتن فرماندهی نظامی کودتا، به آبرون ساید پیشنهاد کرد و او هم پذیرفت. اما ضلع مهم دیگر این کودتا، یعنی بازوی سیاسی آن که ظاهراً باید در کسوت نخست وزیر کودتا هم ظاهر می شد، کسی نبود جز سیدضیا،الدین طباطبایی یزدی.

### ■ یک پیشینه خانوادگی متفاوت

سیدضیا، از چهارم اسفند ۱۲۹۹ تا چهارم خرداد ۱۳۰۰، به مدت چهار ماه، عهده دار منصب نخست وزیری در ایران بود. کابینه او را که به واسطه کودتا و با حمایت آشکار انگلیسی ها سرکار آمد، «کابینه سپاه» نامیده اند. سیدضیا در سال ۱۲۶۸، در شیراز متولد شد. پدرش، در زمره



# FARJAD ROCK CANDY

## نبات زعفرانی فرجاد

www.farjadcandy.com

ارتباط با ما  
Contact us

۰۵۱ - ۳۳ ۷۲ ۰۸۵۹
051 - 33 72 0859